

# تاریخ و عقاید مکتب اخباری شیعه\*

ویلفرد مادلونگ  
ترجمه حمید عطایی نظری

تفسیر منطقی و صحیحی از آموزه‌های ائمه ارائه نمود، اختلاف نظر وجود دارد.

در فصل اول، نویسنده زمینه تاریخی پیدایی مکتب فقهی اخباریه را بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که وجود کسانی که تا حدی حدیث‌گرا بوده و گرایش به تشیع اثنی‌عشری داشته‌اند، قبل از استرآبادی غیرقابل انکار است. با این حال، او به طور کلی برای هرگونه پیوستگی و ارتباط میان مکتب فقهی اخباری و این گرایش آغازین اعتبار زیادی قائل نیست.<sup>۶</sup> و علاوه بر این بیان می‌کند که: گرچه اصطلاح «اخباری» را نویسندگان پیش از استرآبادی گاه به کار برده‌اند، همچنان کاربرد آن بر تعریف مشخص و منسجمی استوار نیست. (ص ۳۰) اما در واقع معنای اصلی اصطلاح «اخباری» در طول تاریخ تشیع کاملاً روشن و بی‌ابهام است؛ «اخبار» به اقوال و گفتارهای امامان اطلاق می‌شود و «اخباریان» عالمانی هستند که این اقوال و سخنان را جمع‌آوری و روایت کرده و یا از اقتدار به تمام معنای اخباریان در دین حمایت کرده‌اند.

در این معنای وسیع، اخباریان شیعه معادل «اهل‌الحدیث» و «محدثون» در اهل سنت هستند و اصطلاح اخیر (محدثون) را شیعیان نیز برای «اخباریان» به کار برده‌اند. درست همان‌طور که مکتب فقهی حدیث‌گرای حنبلی از جریان وسیعتر اهل‌الحدیث ناشی شده، مکتب فقهی اخباری نیز از جریان گسترده‌تر حدیث‌گرایی اخباری نشئت گرفته است.

بدین ترتیب حدیث‌گرایی شیعه بهترین تعبیر از اخبار‌گرایی (Akhbarsim) است، هر چند که متأسفانه گلیو در عنوان کتاب خود از آن تعبیر به «اسلام نص‌گرا» (Scripturalist Islam) کرده است. او بیان می‌کند: چون براساس باور عمومی شیعیان امامیه، ائمه (ع) معصوم هستند، کلمات امام، بازتاب خواست و مشیت الهی است؛ در این معنا کتب اخبار، برای اخباریان، متن مقدس محسوب می‌شود. (ص ۲۰) به‌رغم اینکه کلمات امام برای شیعیان بازتاب اراده و مشیت الهی است، این امر سبب نمی‌شود که این کلمات تبدیل به کتاب مقدس شوند و حکم قرآن را پیدا کنند. احادیث پیامبر نیز در نظر اهل سنت، انعکاس خواست و نظر الهی است اما این عقیده، مجموعه‌های حدیثی معتبر اهل سنت را نزد آنها تبدیل به کتاب مقدس نمی‌کند. در تحقیقات غربی، اصطلاح «نص‌گرا» (Scripturalist) برای خوارج اولیه به کار برده شده است که حدیث و سنت را رد کرده و تنها

*Scripturalist Islam: The History And Doctrines Of The Akhbari Shii School. By Robert Gleave. Leiden: Brill, 2007 xxiii, 339 pp.*

فقیهان شیعه دوازده امامی از قرن ۱۱ هجری / ۱۷ میلادی به دو شاخه اصلی که اخباریان و اصولیان خوانده می‌شوند، تقسیم شده‌اند.<sup>۱</sup>

مکتب فقهی اخباری که محمدامین استرآبادی (م ۱۰۳۶ / ۲۷-۱۶۲۶م) آن را بنیاد گذاشت در قرن ۱۲ هجری / ۱۸ میلادی نسبت به دیگر مکاتب فقهی موقعیتی برتر یافت، هر چند که بعداً افول کرد و اهمیت خود را از دست داد.<sup>۲</sup>

اغلب تأسیس مکتب کهن‌تر اصولی - که استرآبادی به ضد آن برخاست - را به علامه حلی (م ۷۲۶ هجری / ۱۳۲۵ میلادی) که از اجتهاد حمایت صریح و روشنی می‌کرد، نسبت می‌دهند.<sup>۳</sup>

ماهیت و اهمیت مکتب فقهی اخباری بارها در تحقیقات غربی براساس منابع و مدارک محدود به اختصار مورد بحث واقع شده است.<sup>۴</sup> نویسنده کتاب حاضر پژوهش بسیار مبسوط‌تری را بر مبنای یک دهه تحقیقات گسترده و دقیق ارائه می‌کند. وی به طور ویژه و با توجه به جزئیات بسیار به بررسی انگیزه و اندیشه بنیانگذار این مکتب، ملا محمد امین استرآبادی، پرداخته است و به تفصیل آن را شرح می‌دهد و در ادامه رشد و گسترش این مکتب را در طول زمان تاکنون بررسی می‌کند.

به طور کلی، نویسنده معتقد است که روش فقهی اخباریان - به‌رغم مخالفت رسمی آنها با اجتهاد - از نوعی پیچیدگی و مهارت علمی برخوردار است. این نگرش در برابر دیدگاه دیگری است که معتقد است اخباریان نوعی واکنش نص‌گرایی عوامانه را در مقابل عقل‌گرایی نخبه‌گرایانه اصولیان از خود نشان دادند.

او نشان می‌دهد که اخباریان تمامی معیارها و ضوابط روش اصولی را انکار نمی‌کنند بلکه تنها آن دسته از ضوابط اصولی را رد می‌کنند که از سوی احادیث ائمه (ع) تأیید نشده است.<sup>۵</sup>

او دیدگاهها و جریانات متنوع و گسترده‌ای را درون این مکتب توصیف کرده و خاطر نشان می‌کند در این مورد که آیا اخباری‌گری تنها مکتب مشروع درون شیعه را تشکیل می‌داد و یا اینکه صرفاً

قرآن را حجت و منبع معتبر دانستند.

در مذهب تشیع، نخستین امام زیدی، امام قاسم بن ابراهیم را می‌توان به‌عنوان یک نص‌گرا در نظر گرفت؛ زیرا وی اظهار داشت که سنت پیامبر تنها چیزی است که در قرآن ذکر شده یا به آن اشاره شده است.

در مقایسه، اخباری‌ها مانند اهل‌الحديث در میان اهل سنت، معتقد به حجیت و مرجعیت قرآن به‌عنوان منبع فرعی و ثانوی هستند و در مقابل «حديث» را منبع اصلی و مفسر قرآن می‌دانند.

گلیو در فصل چهارم متناسب با دیدگاهش درخصوص فقدان اساسی ارتباط و پیوستگی میان مکتب فقهی اخباری و جریان نخستین حدیث‌گرایی اخباری، در قیاس با تفکر فقهی استرآبادی که آن را یک اندیشه‌نوظهور و بدیع می‌داند، اندیشه کلامی استرآبادی را تفکری که در حقیقت همان نحوه تفکر عقل‌گرای معتزلی است تعبیر می‌کند. از آنجا که تفکر کلامی استرآبادی پیش از آنکه روش جدید فقهی خود را ایجاد نماید، شناخته شده است و این بخش از اندیشه وی در دوران بعدی عمر او نیز عمدتاً ثابت و بی‌تغییر باقی مانده است، گلیو از «گرویدن او به اخباری‌گری» سخن به میان می‌آورد و اینکه این تغییر و گرایش تنها دیدگاه‌های فقهی او را تحت تأثیر قرار داد و بر تفکرات کلامی استرآبادی اثری نگذاشت.

اما در واقع آنچه‌ان که از نگاه‌های آغازین کلامی استرآبادی مشهود است،<sup>۷</sup> این «گرویدن» وی به اخباری‌گری بدین نحو نبوده که بر تفکرات کلامی وی تأثیرگذار نباشد، بلکه او همواره متمایل به حدیث‌گرایی اخباری بوده و آن‌گونه که خودش به صراحت بیان می‌کند، مسائل کلامی و فلسفی را بر مبنای اخبار ائمه که در کتاب کافی کلینی آمده، مورد بحث قرار داده است.

همچنین هیچ مبنای منطقی و صحیحی برای این نظر گلیو وجود ندارد که تمایز میان صفات ذاتی الهی و صفات فعلی خداوند «بازسازی آموزه‌های اعتقادی معتزله بصره منسوب به ابوعلی جبائی و پیروان او باشد و اینکه [این اندیشه] را بعدها نشانی از پیشینه امامی داشتن آن بیان‌کنارند» (ص ۱۲).

در حقیقت این تمایز را پیش از این، متکلمان در قرن دوم هجری/ هشتم میلادی - یعنی مدتها قبل از ابوعلی جبائی (م ۳۰۳ ق/ ۹۱۵ م) - به طور گسترده مورد بحث و بررسی قرار داده بودند و بی‌تردید یک بحث خاص معتزله نبوده است. بنابراین، اینکه امام صادق (ع) - بنابر آنچه در برخی از اخبار کتاب کافی آمده - این تمایز را مطرح نموده‌اند به هیچ وجه ناپذیرفتنی به نظر نمی‌رسد.<sup>۸</sup>

به همین نحو، برخلاف تبیین گلیو در اینجا (ص ۱۱۳)، آموزه «بدا» که توسط استرآبادی مورد بحث قرار گرفته، یک بحث اصالتاً معتزلی نیست که تنها بعدها مورد اقتباس و پذیرش شیعه قرار گرفته باشد.<sup>۹</sup> اگر چه گلیو پیش از آن (در ص ۱۰۲) به درستی «بدا» را یک آموزه مشخصاً شیعی نامیده است. معتزله همواره آموزه بدا را انکار می‌کردند و حتی متکلمان شیعی دوران آل بویه نیز که به کلام معتزله گرایش داشتند، توجیه آن را دشوار می‌دانستند.

بی‌گمان استرآبادی یک «اخباری» بود اما در معنایی وسیعتر از

آنچه این اصطلاح پیش از او داشت؛ و با تشویق و حمایت میرزا محمدبن علی صاحب‌الرجال<sup>۱۰</sup> در کتاب الفوائد المدتیة اش احیای روش اخباریان را در فقه به عهده گرفت. (ص ۳۳)

صرف‌نظر از این برداشتهای نادرست و اندکی بی‌دقتی در خوانش و آوانویسی اسامی خاص، کتاب حاضر کمک جدی و قابل ملاحظه‌ای به درک بهتر از رشد و توسعه فقه شیعه از دوران صفویه به بعد می‌کند.

\* این مقاله ترجمه‌ای است از:

"The Review of Scripturalist Islam: The History and Doctrines of the Akhbari Shii School". *Journal of Islamic Studies*, 19:3 (2008). pp. 398-400.

رابرت گلیو، نویسنده کتاب، رئیس بخش مطالعات عربی دانشگاه اکستر در جنوب انگلستان است؛ تخصص او در آرا و عقاید اسلامی در دوره میانه، به خصوص اصول فقه مذهب تشیع است. او پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «منابع زندگینامه‌ای برای شرح تضاد اخباریون و اصولیون، بررسی محمد امین استرآبادی» در دانشگاه منچستر گذرانده و برای اخذ مدرک دکترا از همان دانشگاه پایان نامه‌ای با عنوان «فقه اخباری شیعه در آثار شیخ یوسف بحرانی» ارائه نمود. وی هم اکنون مدیر اجرایی «انجمن مطالعات خاورمیانه بریتانیا» و رئیس بخش مطالعات عربی دانشگاه اکستر است و در مراکز علمی - آموزشی به تحقیق و تدریس اشتغال دارد. از وی کتابها و مقالات متعددی در زمینه مباحث فقهی شیعه، به ویژه بررسی مکتب اخباری‌گری منتشر شده است.

۱. برخی از جمله محمد امین استرآبادی، انقسام فقهی شیعه به اخباری و اصولی را مدتها پیش از قرن ۱۱ می‌دانند و چنان‌که وی اشاره می‌کند در کتب عامه مانند شرح مواقف و ملل و نحل شهرستانی و در کتب خاصه مانند نهایی علامه حلی این تقسیم ذکر شده است. (الفوائد المدتیة، ص ۹۷)

۲. در این دوران علاوه بر مکتب فقهی اخباریان، دو مکتب فقهی محقق کرکی (م ۹۴۰) و مقدس اردبیلی (م ۹۹۳) نیز حضور داشته‌اند که با پدیدآمدن جریان اخباری‌گری، تا حدی از رونق دو مکتب فقهی مذکور کاسته شد؛ اما مکتب اخباری‌گری نیز پس از مدتی اندک و در پی اقدامات وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) و دیگر فقیهان اصولی برجسته آن زمان رو به ضعف نهاد و دامنه نفوذ آن بسیار محدود گردید.

۳. به اعتقاد برخی، دو گرایش کلی اصولی و اخباری در فقه شیعه، از همان دوران اولیه وجود داشته و در زمان حضور امام (ع) شاهد دوگونه فقه در جامعه شیعی هستیم: یک جنبش استدلالی و اجتهادی و تعقلی که در مسائل فقهی با در نظر گرفتن احکام و ضوابط کلی قرآنی و حدیثی به اجتهاد معتقد بودند و گرایش دیگری که به نقل و تمرکز بر احادیث تکیه داشتند و اجتهاد را روا نمی‌دانستند. بنابراین قبل از علامه حلی، فقیهانی همچون ابن عقیل عمانی معاصر کلینی، ابن جنید (م ۳۸۱)، سید مرتضی (م ۴۳۶)، شیخ طوسی (م ۴۶۰) و ابن ادریس حلی (م ۵۹۸) را می‌توان نماینده مکتب اصولی در تشیع دانست؛ اما ابتکار علامه حلی در تقسیم اخبار به صحیح، موثق، حسن و ضعیف - که یکی از میزات مکتب اصولیون است - و رد این تقسیم توسط اخباریان، موجب گردید برخی او را

- پایه گذار مکتب اصولیان بدانند. (ر.ک: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، صص ۴۰ - ۳۶ و *الفکر السلفی عند الشیعة الاثنی عشریة*، ص ۲۴۱)
۴. برای آگاهی از این دست تحقیقات ر.ک: *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*، ص ۹۲ به بعد و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۷، ص ۱۶۲.
۵. محمد امین استرآبادی در رساله *جوابات المسائل الظهیریة*، ص ۵۷۱ می‌گوید: «... قد تواترت الأخبار عن الأئمة الأطهار - صلوات الله و سلامه علیهم - بحرمة الاعتماد علی مقتضی أفكار العقول و بحرمة تعلم فنّ الکلام و تعلیمه إلا الکلام المؤلف من کلامهم و حرمة الاعتماد علی القواعد الاصولیة الفقهیة الغیر المأخوذة من کلام اصحاب العصمة (صلوات الله علیهم)».
۶. برخلاف این نظر، عده‌ای جریان اخباری‌گری قرن دوازدهم را پیرو و احیاکننده همان مکتب حدیثی و اخبارگرای قرون اولیه می‌دانند. (ر.ک: *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*، ص ۵۷)
۷. آثار کلامی به جا مانده از استرآبادی عبارت‌اند از:  
الف) رساله *دانشنامه شاهی*  
ب) *الفوائد الاعتقادیة*  
ج) *رسالة فی البداء*  
د) *المسائل الثلاث الکلامیة* (ر.ک: *معجم طبقات المتکلمین*، ج ۴، ص ۱۸۰ و *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، ص ۲۸۱)
۸. ر.ک: *اصول کافی*، ج ۱، ص ۱۰۸، «باب صفات الذات»، همچنین کتاب *التوحید شیخ صدوق*، ص ۱۳۹، «باب صفات الذات و صفات الافعال».
۹. ر.ک: *اصول کافی*، ج ۱، ص ۱۴۷، «باب البداء»، نیز کتاب *التوحید شیخ صدوق*، ص ۳۳۱، «باب البداء».

۱۰. میرزا محمدبن علی استرآبادی (م ۱۰۲۸) صاحب کتاب *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، آخرین استاد ملامحمد امین استرآبادی در فقه و حدیث و رجال بوده که وی در مکه از اوایل سال ۱۰۱۵ تا حدود ۱۰ سال بعد نزد او دانش آموخته است. (*دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، ص ۲۸۰)

#### منابع

۱. ابن بابویه. کتاب *التوحید*. سید هاشم حسینی تهرانی. بیروت: مؤسسه علمی، [بی‌تا].
۲. احیا حسینی، غلام. *شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان*. قم: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۷.
۳. استرآبادی، محمدامین. *الفوائد المدنیة*. رحمة الله مدنی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ دوم، ۱۴۲۶.
۴. استرآبادی، محمدامین. *جوابات المسائل الظهیریة*. چاپ شده در *ضمن الفوائد المدنیة*.
۵. الجابری، علی. *الفکر السلفی عند الشیعة الاثنی عشریة*. چ دوم، قم: دار احیاء الاءحیاء، ۱۴۰۹.
۶. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*.
۷. سبحانی، جعفر. *معجم طبقات المتکلمین*. ۵ ج. قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۶.
۸. الشیخ الکلینی. *اصول کافی*. علی اکبر غفاری. چ پنجم. تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
۹. مدرسی طباطبایی، سید حسین. *مقدمه‌ای بر فقه شیعه*. ترجمه محمد آصف فکرت. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۸.

## مؤسسه انتشارات نگاه

در آستانه بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به دوستداران کتاب تقدیم می‌کند:

۱. **رباعیات حکیم عمر خیام**، پنج زبانه، با مینیاتورهای حسین بهزاد
۲. **شرح غزلیات حافظ**، چهار جلد، دکتر بهروز ثروتیان
۳. **شرح سودی بر حافظ**، چهار جلد، سودی بسنوی، ترجمه دکتر عصمت ستارزاده
۴. **تاریخ هنر نوین**، ی. ه. آرناسن، ترجمه محمدتقی فرامرزی
۵. **فلسفه تاریخ هنر**، آرنولد هاووزر، ترجمه محمدتقی فرامرزی
۶. **تاریخ عالم آرای عباسی**، نوشته اسکندربیک ترکمان
۷. **چاره کمرویی**، ریموند - دوسن لوران، ترجمه دکتر محمدحسین سروری
۸. **مجموعه اشعار**، حسین منزوی
۹. **برهنه در قاب**، مجموعه شعر، ایرج صف‌شکن
۱۰. **صبح هیاهو**، مجموعه شعر، ایرج صف‌شکن
۱۱. **خانه قانون زده**، چارلز دیکنز، ترجمه ابراهیم یونسی
۱۲. **یاد بعضی نفرات**، سیمین بهبهانی
۱۳. **ستارخان**، رمان، پناهی ماکوئی، ترجمه غلام خاتون
۱۴. **تئاتر جزیره کوچک آزادی**، ترجمه و تألیف ناصر حسینی‌مهر
۱۵. **عاشقی در خیال**، رمان، حسن اصغری
۱۶. **شعله آواز**، مثنوی‌های بیدل دهلوی، با مقدمه و تصحیح: اکبر بهداروند

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پلاک ۶۳ طبقه ۵.

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱-۸-۶۶۴۸۰۳۷۷-۸۰ ۶۶۴۴۶۶۹۴۰ تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷